

11 اردیبهشت اول ماه مه روز جهانی کارگر بر کارگران ایران مبارک باد پیش بسوی شناخت جنبش کارگری ایران

1. چه نیازی به شناخت جنبش کارگری ایران داریم:

الف - جنبش کارگری در نظام سرمایه داری معیار و شاخص جنبش عدالتخواهانه بشر می باشد.

- ب - در میان جنبش های سه گانه تاریخ بشریت یعنی
- جنبش های عدالتخواهانه
 - جنبش های رهایی بخش یا آزادی طلبانه
 - جنبش های آگاهی بخش

قدیمی ترین جنبش بشر بازگشت پیدا می کند به جنبش های عدالتخواهانه چرا که محوری ترین خواسته بشر در عرصه جنبش عدالتخواهانه نفی استثمار طبقه از طبقه (استثمار) یا نفی استثمار طبقه از ملت (استعمار) بوده است که بخاطر اینکه آغاز تاریخ بشر با استثمار و مبارزه طبقاتی بوده است لذا مبارزه عدالتخواهانه بشر در بستر تاریخ بعنوان یک پایه ثابت جنبش تاریخی بشر مطرح بوده است و اگرچه اشکال این جنبش در بستر زمان به موازات تغییر شکل تولید (که شامل روابط تولید و ابزار تولید و بازوی تولید می باشد) صورت مختلفی به خود گرفته است ولی جوهر این جنبش طبقاتی بشر که صورتی ضد استثمار داشته است تغییر نکرده است.

ج - موضوع جنبش عدالتخواهانه بشر مبارزه طبقاتی انسان از آغاز پیدایش تاریخ تاکنون می باشد که با شکل گیری پدیده مالکیت و استثمار فرد از فرد بر مبنای خصلت استخدام طلبی انسان و توسط زور در امت واحد یا جامعه بدوی انسان به پیدایش طبقه و در نتیجه شروع تاریخ بشر انجامید طبقاتی شدن جامعه اولیه انسان باعث گردید تا جامعه برخوردار غیر طبقاتی اولیه را بدل به دو طبقه بکند یکی طبقه حاکم برخوردار و دیگر طبقه محکوم استثمار شده.

د - سلطه که موضوع جنبش رهایی بخش یا آزادی طلبانه بشر در عرصه تاریخ مبارزه طبقاتی بشر می باشد پدیده ای است که در پروسه تکوین تاریخی مبارزه طبقاتی بشر صورتی موخر بر پیدایش مالکیت و طبقه و استثمار داشته است چرا که اگرچه زور فردی و قدرت استخدام طلبی فردی انسان در آغاز تاریخ بشر باعث پیدایش پدیده مالکیت و استثمار و بهره کشی فرد از فرد دیگر شد ولی این موضوع در عرصه اجتماعی پروسه ای کاملاً عکس پروسه فرد از فرد داشته است زیرا در پیدایش استثمار در جامعه بدوی و غیر تاریخی بشر بخاطر اینکه استثمار در آغاز جنبه فردی داشته است و بصورت فرد از فرد انجام می گرفته است عامل اولیه آن زور فردی بر مبنای پتانسیل استخدام طلبی بشر بود ولی پس از اینکه استثمار بر پایه این حرکت فردی انسان شکل گرفت با توسعه فیزیکی و افزایش آماری استثمار کنندگان و استثمار شوندهگان افراد بدل به طبقه شدند که با طبقاتی شدن جامعه که خود موتور محرکه پیدایش تاریخ گردید مکانیزم پیدایش سلطه در جامعه بر خلاف صورت فردی که تقدم زمانی داشت بر استثمار در جامعه موضوع سلطه طبقه بر طبقه (استبداد یا زور) یا طبقه بر ملت (استعمار) دیگر صورتی موخر بر استثمار پیدا کرد و علت این موضوع در آن بود که طبقه حاکم توسط سلطه بر طبقه یا ملت دیگر سعی میکرد تا بستر هر چه بیشتر بهره کشی و استثمار آن طبقه یا آن ملت فراهم سازد (بعبارت دیگر در بستر مبارزه طبقاتی تاریخ بشر استثمار عامل پیدایش استبداد و استعمار بوده است نه بلعکس زیرا طبقه استثمار کننده توسط استبداد یا سلطه داخلی و استعمار یا سلطه خارجی سعی میکرده تا زمینه یا بستر هر چه بیشتر استثمار فراهم کند) و لذا در همین رابطه بوده است که بخاطر حاکمیت سلطه چه در صورت داخلی آن (استبداد) و چه در صورت خارجی آن (استعمار) مبارزه عدالتخواهانه بشر در بستر تاریخ مبارزه طبقاتی از صورت عریان ضد استثمار و ضد بهره کشی بصورت غیر علنی و در پوشش مبارزات مذهبی یا قومی یا نژادی و ... ظاهر شده است که تمامی این اشکال مبارزات اجتماعی از جوهر واحدی برخوردار بودند که آن جوهر واحد مبارزه عدالتخواهانه یا ضد استثمار بشر بوده است البته این نکته را نباید از نظر دور داشت که آنزمانی که مبارزه عدالتخواهانه بشر از صورت مستقیم بصورت غیر مستقیم درآمد پوششهای قومی - نژادی و مذهبی بر تن مبارزات طبقاتی بشر گاهها عامل انحراف تاریخ مبارزه طبقاتی بشر گردید و طبقات حاکم با سوء استفاده از این پوششها سعی میکردند تا با انحراف محتوای پوششهای فوق مبارزه طبقاتی طبقه محکوم را در استخدام طبقه حاکم خود درآورند که برای درک این موضوع کافی است که نقش صفویه در انحراف شیعه و نقش طاهریان و سامانیان و در انحراف مبارزات قومی و ملی نقش فاشیسم و نازیسم در انحراف مبارزه نژاد پرستانه ملت آلمان و ... در این راستا بررسی گردد پس آنچه تا اینجا مشخص شد عبارت است از اینکه:

اولاً: تکوین و پیدایش پدیده استثمار در جامعه ماقبل تاریخ بشری بدو صورت فردی داشته است بعد اجتماعی شده است.

ثانیاً: عامل پیدایش استثمار در مرحله فردی قدرت استخدام طلبی انسان بوده است که بصورت برتری زور فردی مادیت پیدا کرده است.

ثالثاً: با پیدایش استثمار در جامعه بی طبقه اولیه رفته رفته این پدیده رشد فیزیکی و آماری کرد که با رشد کمی این پدیده زمینه پیدایش طبقه در جامعه بی طبقه اولیه گردید که حاصل آن استحاله جامعه از صورت امت واحد اولیه به جامعه طبقاتی مشتمل بر دو طبقه استثمار کننده و استثمار شونده گردید.

رابعاً: با پیدایش طبقه بر مبنای استثمار جدای از اینکه استثمار صورت اجتماعی پیدا کرد عاملی شد تا جامعه انسان وارد مرحله تاریخی شود که موتور این تاریخ مبارزه طبقاتی بین دو طبقه مستثمر و مستثمر بود. خامساً: طبقاتی شدن جامعه غیر از اینکه باعث پیدایش تاریخ بر مبنای مبارزه طبقاتی شد پدیده دیگری نیز با خود به همراه آورد که آن پدیده، پدیده سلطه در عرصه جامعه بود که زمینه ساز استثمار اجتماعی بوده است. سادساً: پدیده سلطه در عرصه اجتماعی در دو شکل سلطه طبقه بر طبقه و سلطه طبقه بر ملت مادیت پیدا کرد که نتیجه آن دو مولفه ای شدن مبارزه طبقاتی بشر بود. مولفه اول مبارزه عدالتخواهانه بشر بود که مبارزه ای بر علیه استثمار طبقه بر طبقه و استثمار طبقه بر ملت بود مولفه دوم مبارزه رهائیبخش یا آزادی طلبانه یا آزادیبخش انسان بود که زمینه نفی سلطه طبقه بر طبقه یا طبقه بر ملت میکرد طبیعی است که در بستر تاریخی مبارزه عدالت طلبانه بشر که جوهر ضد استثماراری داشته است مقدم بر مبارزه رهائیبخش یا آزادی طلبانه بشر داشته است ولی بخاطر اینکه بموازات رشد جامعه بشری مبارزه عدالت خواهانه بشر پروسه پیچیده شدن طی کرده است این پروسه پیچیده گی باعث گردید که مبارزه عدالت خواهانه انسان تحت تاثیر مبارزه آزادی طلبانه و مبارزه آگاهی بخش انسان قرار گیرد لذا تقدم و تاخر مبارزه عدالتخواهانه انسان نسبت به مبارزه آزادی طلبانه و مبارزه آگاهی بخش او بخاطر پیچیده گی پروسه مبارزه و تاریخی شدن اصل موضوع مبارزه طبقاتی بوده است و این تغیر آرایش به هیچ وجه در جوهر واحد مبارزات فوق تاریخ بشر که همان مبارزه عدالت طلبانه و ضد استثماراری می باشد ایجاد نمی کند.

ه - البته جدای از اینکه تاریخی شدن اصل مبارزه طبقاتی باعث شکل گیری مولفه های سه گانه مبارزه یعنی مبارزه عدالت طلبانه و آزادی خواهانه و آگاهی بخش گردید خود مبارزه عدالتخواهانه بشر اشکال مختلفی بخود گرفت که اشکال جنبش عدالت خواهانه بشر در بستر تاریخ مبارزه طبقاتی بر حسب شکل تولید که شامل روابط تولید و ابزار تولید و بازوی تولید می باشد صورت یافته است که در این رابطه می توان اشکال جنبش عدالتخواهانه بشر در بستر تاریخ بدو شکل بزرگ تقسیم کرد اول - جنبش فردی یا گروهی عدالتخواهانه انسان. دوم - جنبش جهانی یا طبقه ای عدالتخواهانه بشر می باشد که در این راستا می توانیم با توجه به خود ویژگیهای روانشناسی طبقاتی دوران سرواژی و فنودالیت یا فنودالیسم را دوران جنبشهای فردی یا گروهی یا قومی عدالتخواهانه بشر بنامیم چرا که سرو و رعیت در دوران سرواژی و فنودالیت بخاطر پیوندی که بلحاظ شکل تولید به زمین داشت و بخاطر اینکه بیش از 60% موفقیت اقتصادی و تولیدی او به آسمان پیوند داشته است و بخاطر اینکه ابزار تولید و بازوی تولید در این مرحله تاریخی صورتی مکانیکی و اولیه داشته است اینهمه باعث گردیده تار رعیت و سرو روانشناسی فردی داشته باشد که حاصل این موضوع باعث شد تا جنبش عدالتخواهانه سرو و رعیت در بستر مبارزه طبقاتی ضد سرواژی یا ضد ارباب و رعیتی و ضد فنودالی یا صورت مکانیکی و فردی و گروهی نه طبقه ای داشته باشد یا اگر صورت گسترده و فراگیر داشته است در صورت و پوشش مبارزات مذهبی و قومی و ملی و قبیله ای و نژادی تجلی کند که حاصل آن آنچنانکه گفته شد انحراف مبارزه طبقاتی توده ها بوده است چرا که حاصل آن پوششهای مذهبی و قومی و نژادی و... باعث شد که بعلت تحریف آنها توسط طبقه حاکم مبارزه از صورت عینی و ابژکتیویته ان که مبارزه طبقاتی بوده است صورت سبژکتیویته و ذهنی و موهومی بخود گیرد و مبارزه طبقاتی بخاطر این انحراف برای مدتی تعطیل شود تبلیغات بنی عباس جهت گسترش فلسفه و حکمت ارسطونی و سیاست زدانی کردن یا دپلیزه کردن توده ها همگی در این راستا قابل توجیه و تفسیر می باشد که ماحصل همه اینها این شد که جنبش عدالتخواهانه طبقه محروم در دوران ارباب رعیتی و سرواژی نتواند چندان گسترش یابد.

و- در دوره برده داری بخاطر اینکه برده داری در عرصه پراتیک اقتصادی بشر تاریخی بگسترده گی همه تاریخ بشر یعنی از آغاز پیدایش طبقه که حدود 6 قرن قبل از میلاد می باشد تا نیمه دوم قرن نوزدهم یعنی حدود دو هزار ششصد سال این لکه ننگ برده داری بر پیشانی تاریخ بشر عرض اندام میکرده است در نتیجه مانند نظام ارباب رعیتی و سرواژی از مشخصه واحد روانشناسی طبقاتی برخوردار نبوده است چرا که در نظامهای مختلف شکل تولید بشر از برده داری تا سرمایه داری بصورت ابزار تولید و نیروی کار ارزان مورد بهره کشی بوده است و همین امر باعث گردیده تا جنبش عدالتخواهانه برده ها از قیام اسپارتاکوس تا مبارزات ضد آپارتاید جنسی سیاه پوستان افریقا برهبری

نلسون ماندلا و امریکا در قرن بیستم بلحاظ شکلی صورتی متفاوت داشته باشد و برده ها (که در بستر مبارزه طبقاتی از آغاز پیدایش تاریخ که بر شانه مبارزه طبقاتی استوار بوده است تا نیمه دوم قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم که بطوری رسمی و اسمی برده داری توسط سرمایه داری جهانی اشباع شده ملغی گردید) به سه شکل:

اول - برده اقتصادی

دوم - برده جنگی

سوم - برده نژادی

مبارزات طبقاتی و رهائیبخش خود را در اشکال فردی و گروهی و اجتماعی و طبقاتی تغییر داده اند و برعکس مبارزات ضد فئودالی و یا ضد ارباب رعیتی و ضد سرواژی و الغای آن صورت دفعی و مرحله ای داشته است مبارزه ضد برده داری بشر اگرچه در اشکال عدالتخواهانه و رهائی بخش و آزادی طلبانه و ضد آپارتاید و... انجام گرفته است ولی بخاطر نیاز طبقات حاکم در دورانهای مختلف به نیروی کار ارزان این مبارزه نتوانست مانند مبارزه ضد ارباب رعیتی و ضد سرواژی صورتی ساده داشته باشد که برای درک پیچیده گی مبارزه ضد برده داری کافی است اصلا امضای تائید برده داری جنگی توسط قرآن و محمد مورد آنالیز قرار دهیم اگرچه در کشورهای اسلامی و شرق بر خلاف کشورهای غرب و افریقای غیر شمالی که مسلمان هستند همیشه برده داری بصورت روابط تولید مطرح بوده است ولی همین مساله که محمد و قرآن نخستین منادی مبارزه آگاهیبخش توحیدی کتاب و قلم مرکب و نوشته نتوانست بر علیه این لکه ننگ تاریخ طبقاتی بشریت البته بصورت برده جنگی آن حرکت الغائی مقطعی از سر گیرد و بالاخره بصورت مقطعی با بیان قرآن آنرا امضاء کند نشان دهنده پیچیده گی این مبارزه می باشد آنچنانکه در زمان خلیفه دوم عمر پس از فتح ایران بطوریکه تاریخ طبری نقل می کند زمانیکه اسیران ایرانی وارد مدینه شدند عمر خلیفه دوم در حضور اسیران ایرانی به مردم عرب نژاد پرستانه ترین و بیشرمانه ترین و ضد انسانی ترین سخنرانی کرد آنزمانی که به مردم عرب گفت ای ملت عرب به شکرانه پیروزی بر عجم برده های عرب خود را رها کنید و برد های ایرانی صاحب شوید و همین دیدگاه بود که پس از قتل عمر بدست برده ایرانی ابولولو که يك مبارزه ضد برده داری و عدالتخواهانه ضد نژاد پرستانه بود فردای مرگ عمر پسر بزرگ عمر عبدالله جهت انتقام و خونخواهی مرگ پدر در کوچه های مدینه براه افتاد و هر ایرانی برده که پیدا میکرد بدون هیچ گونه محاکمه ای گردن میزد و عثمان همین که توانست در شورای ساختگی عمر گردونه قدرت را بدست بگیرد پس از 24 ساعت حکومت دستور آزادی عبد الله بن عمر را صادر کرد و شاید یکی از پیچیده ترین و پوشیده ترین اشکال مبارزات عدالتخواهانه علی پس از مرگ عثمان در دوران پنج ساله حکومتش مبارزه ضد برده داری و ضد نژاد پرستانه او که در کادر درخواست محاکمه عبدالله بن عمر بخاطر قتل عام برده های ایرانی که توسط او در لوای شعار خونخواهی مرگ عمر انجام گرفته بود شد و در همین راستا بود که امام علی با شعار الحق قدیم لا بیطل عنه شئی خواستار محاکمه و دستگیری عبد الله بن عمر گردید و همین مساله عامل بهم خوردن رابطه او با عبدالله بن عمر و عدم بیعت عبدالله عمر با علی شد و همین شعار عدالتخواهانه و ضد نژاد پرستانه علی بود که پس از نیل بحکومت عامل گرایش ایرانیان به علی و اهل بیت علی شد بطوریکه حتی امام حسین هم زمانیکه از طرف حر فرمانده ابن زیاد در حصر قرار گرفت تقاضای امام حسین آنچنانکه طبری نقل میکند از حر اجازه حرکت بطرف ایران بجای کوفه بود که حر موافقت نکرد و یا در صلحنامه امام حسن با معاویه یکی از اصولی که از طرف امام حسن گنجانده شده بود مالیات داراب فارس ایران بود و یا در توطئه ولایتعهدی امام رضا توسط مامون با سواد ترین و پیچیده ترین خلیفه بنی عباس که برای جلب اعتماد ایرانیان و مردم خراسان بود همان خراسانی که ابومسلم خراسانی با 600 هزار جنگجوی خراسانی کاخ خلافت را بر سر بنی امیه نژاد پرست ویران کرد و حکومت و خلافت را از آنها گرفت و به بنی عباس داد ز -در باب جنبش عدالتخواهانه بشر در عصر سرمایه داری با توجه به اینکه نظام سرمایه داری بر خلاف روابط تولیدی دیگر صورتی سه مرحله ای داشته است:

اول- نظام بورژوائی

دوم- نظام کاپیتالیسم

سوم - نظام امپریالیستی

2. جنبش عدالتخواهانه و مبارزه ضد طبقاتی و رهائی بخش صورت متفاوت است:

- در نظام بورژوائی بخاطر اینکه طبقه سرمایه دار و حاکم طبقه بورژوازی تجاری می باشد بر خلاف نظام کاپیتالیسمی که طبقه حاکم بورژوازی تولیدی می باشد و بر خلاف نظام امپریالیستی که طبقه حاکم طبقه بورژوازی مالی که همان بانکها هستند می باشد در این مرحله از نظام سرمایه داری بخاطر اینکه سرمایه داری از هر چیز می کوشد که بعنوان کالا جهت تجارت و سود استفاده کند لذا برده های افریقائی بعنوان يك کالا جهت فروش در بازارهای امریکای شمالی و اروپا مطرح می گردد لذا مبارزه عدالتخواهانه بورژوائی بصورت مبارزه با نظام فئودالیسم و اسکولاستیک قرون وسطی و جنگ با کلیسا مطرح گردید.

- در مرحله کاپیتالیسم یا سرمایه داری صنعتی بخاطر اینکه بزرگترین ره آورد بورژوازی تولیدی بر خلاف مرحله بورژوائی که دریا نوردی و کشف قاره ها بود در مرحله کاپیتالیسم بزرگترین دست آورد بشر ماشین و انقلاب صنعتی بود که حاصل ان پیدایش يك طبقه تولید کننده محروم بود بنام پرولتاریا که این طبقه ماهیت و جایگاهی غیر از طبقه کارگر در مرحله بورژوائی و طبقه رعیت در مرحله فئودالیته یا فئودالیسم در غرب و ارباب رعیتی در شرق و طبقه سرو ها یا سرف ها و طبقه برده داری شده است چرا که در نظام کاپیتالیستی یا سرمایه داری صنعتی پرولتر در عرصه صنعت و ماشین و کارخانه فقط و فقط بعنوان بازوی تولید بصورت يك برده صنعتی در قبال يك مزد بخور و نمیر برای سرمایه دار کار میکرد و تمامی ابزار تولید و کالا و همه از آن سرمایه دار بوده است و پرولتر کار خود را بصورت کالائی در بازار تولیدی کارخانه در برابر حداقل قیمت و مزد تقدیم بورژوازی میکرد و او با خرید این کالا (نیروی کار ارزان) از پرولتر ان کالا را که همان نیروی کار پرولتر بود در عرصه ماشین و کارخانه استحاله میکرد و با ترکیب این کالا (نیروی کار پرولتر) و مواد اولیه ارزان غارت شده از جهان سوم و کشورهای پیرامونی کالای جدیدی با هزاران برابر کالای اولیه (نیروی کار پرولتر) وارد بازار جهانی میکرد و بهمن وار شروع به غارت ارزش اضافی یا سودهای باد آورده میکرد اینجا بود که استثمار و بهره کشی در عصر نظام سرمایه داری صنعتی بر خلاف نظامهای گذشته صورت اگر اندیسمان و نجومی پیدا کرد و همین مساله بود که بموازات جهانی شدن نظام تولیدی در عصر سرمایه داری صنعتی آنچنانکه مارکس می گفت که سرمایه داری همه جهان را بر صورت خویش ساخت در نتیجه با جهانی شدن طبقه بورژوازی تولیدی جهانی يك طبقه تولید کننده جهانی هم برای اولین بار پا به عرصه وجود گذاشت بنام طبقه پرولتاریای صنعتی که حاصل این دگرذیسی طبقاتی جهانی پیدایش دو طبقه جهانی بی وطن بنام طبقه بورژوازی و طبقه پرولتاریا شد که حاصل آن نبرد طبقاتی جهانی بین دو طبقه مستثمر و مستثمر بود که بطور مشخص از نیمه دوم قرن 19 به اوج خود رسید طبقه ای که کار میکرد و نمی خورد با طبقه ای کار نمی کرد اما می خورد و بقدری این مبارزه قهر آمیز شد که کالون کشیش اصلاح طلب و پدر پروتستانیسیم اروپا اعلام کرد : که برای جلوگیری از حاکمیت پرولتاریا بر جهان و اروپا اگر لازم باشد می توان دست به يك کشتاری جهانی پرولتاریا زد و این نخستین اعلام جنگ جهانی بورژوازی بر علیه طبقه جهانی پرولتاریا بود در لوی مذهب و شریعت بود اینجا بود که نیمه دوم قرن نوزدهم تا پیش از پیدایش جنگ امپیریالیستی جهانی اول در سر آغاز قرن بیستم دوران نبرد پرولتاریا و طبقه بورژوازی می باشد و اوج مبارزه کار و سرمایه یعنی مبارزه جهانی طبقاتی بود.
- در مرحله امپیریالیستی که با جهانی شدن تولید سرمایه داری و با جهانی شدن بازار مصرف جهانی سرمایه داری و پیدایش دو طبقه جهانی پرولتاریا و طبقه بورژوازی جهت از میان بردن رقابت کشنده ماشین سرمایه داری که پایه تئوری اقتصاد سرمایه داری آدم اسمیت و ریکاردو بود بر مبنای پیدایش انحصارات همراه با کارتل ها و تراست ها و تغییر فرمول اقتصادی کالا - پول - کالا (عصر بورژوائی) به پول - کالا - پول (عصر کاپیتالیسم) و از پول - کالا - پول به پول - پول - پول (عصر امپیریالیسم) رقابت جهانی امپیریالیستها جهت تقسیم بازار جهانی و در نتیجه پیدایش دو جنگ جهانی در عرض بیست سال و نابود شدن میلیونها انسان بیگناه در زیر چرخ نظامی - اقتصادی امپیریالیسم جهانی شد.

الف - بنابراین شناخت جنبش کارگری که از نیمه دوم قرن نوزدهم که بطور مشخص بورژوازی تولیدی اروپا (که از قرن 18 با انقلاب کبیر فرانسه در سال 1789 میلادی به عنوان يك طبقه انقلابی در برابر طبقه ارتجاعی فئودال ها و حاکمیت ارتجاعی اسکولاستیک کلیسا به پیروزی رسید) ماهیتی ضد انقلابی در برابر طبقه جهانی تکوین یافته پرولتاریا پیدا کرده بود شناخت تمام تاریخ مبارزه طبقاتی و حرکت عدالت طلبانه انسان می باشد.

ب - شناخت جنبش کارگری لازمه ترسیم استراتژی کوتاه مدت و درازمدت حزب مستضعفین جهت تعیین پروسه اقدام عملی سازمانگرایانه حزبی و تعیین پشتوانه استراتژیک حزب مستضعفین می باشد.

ج - شناخت جنبش کارگری در شرایط فعلی تاریخ بشر پی بردن به جوهره ضد استثماری مصداق عینی مستضعفین در شرایط فعلی می باشد.

د - شناخت جنبش کارگری در شرایط فعلی لازمه درک ماهیت ضد سرمایه داری مبارزه عدالتخواهانه می باشد .

ه - شناخت جنبش کارگری در شرایط فعلی تبیین کننده استراتژی مبارزه رهائی بخش و آزادی طلبانه و اصلاح طلبانه شرایط جامعه با پیوند و مضمون عدالت طلبانه می باشد.

3. جنبش جهانی کارگری و اول ماه مه سال 1886 شیکاگو امریکای شمالی :

الف - پروسه ضد انقلابی شدن بورژوازی انقلابی اروپا و امریکا بموازات گسترش کمی و کیفی طبقه جهانی پرولتر شکل می گرفت.

ب - 82 سال بعد از پیروزی طبقه انقلابی بورژوازی اروپا یعنی انقلاب کبیر فرانسه با تشکیل کمون پاریس در سال 1871 زمانیکه سنگفرش های خیابانهای پاریس از خون کارگران گلگون گردید مشخصا پرچم سفید ضد انقلابی بورژوازی به پائین کشیده شد و پرچم قرمز ابی های طبقه انقلابی پرولتاریای اروپائی در عرصه جهانی به احتزاز در آمد.

ج - شکست کمون پاریس مصادف با پیروزی بورژوازی اروپا و شکست پرولتاریای صنعتی نگرید بلکه بلعکس باعث گسترش تشکیلاتی و تئوریک و مبارزات عینی کارگران در عرصه جهانی شد.

د - پیدایش اتحادیه های جهانی یا انترناسیونالهای کارگری و رشد و پیدایش مکتبهای سوسیالیستی در نیمه دوم قرن نوزدهم از پرودن گرفته تا سن و سیمون و فوریه و بالاخره مارکسیسم علمی تحت هدایتگری مارکس و انگلس و همچنین رشد اعتصابات و خواسته های کارگری و شکوفا شدن مبارزات کارگری در تمامی کشورهای صنعتی همه و همه دال بر رشد مبارزات طبقاتی در نیمه دوم قرن 19 داشت.

ه - رشد سرمایه داری در امریکای شمالی پس از پایان جنگ داخلی امریکای شمالی و پیروزی بورژوازی تولیدی یا کاپیتالیسم شمال بر نظام زمینداری جنوب و لغو نظام برده داری در امریکا مصادف با توسعه همه جانبه سرمایه داری صنعتی در امریکا شد که حاصل ان رشد غول آسای و کمی طبقه کارگر صنعتی در امریکا شد که با توجه به ماهیت ضد انقلابی و بهره کشانه سرمایه داری استثمار وحشتناک طبقه پرولتاریا امریکا گردید همین امر باعث شد که مبارزات طبقاتی تحت رهبری پرولتاریای صنعتی در امریکا رشد روز افزونی پیدا کند که با توجه بجایگاه شهر شیکاگو بعنوان قطب صنعتی امریکا در نیمه دوم قرن بیستم مبارزات طبقاتی در این شهر نسبت به ایالتها و شهرهای دیگر امریکا از جایگاه ویژه ای بر خودار بود.

و- در همین راستا بود که در سال 1886 مبارزات کارگران شهر شیکاگو تجلی و نمایش دهنده تمامی مبارزات کارگران امریکا بود.

ز - در روز شنبه اول ماه مه سال 1886 قرار بود که در ادامه مبارزات و اعتصابات کارگری که در کل شهرهای صنعتی امریکای شمالی در جریان بود کارگران شیکاگو تظاهرات و میتنگ و سخنرانی در میدان هی مارکت در قلب شیکاگو در ساعت 8/5 صبح داشته باشند.

ح - بهمین خاطر بود که تجمع در ساعت معین در میدان هی مارکت شیکاگو تشکیل شد و شعارهایی که بر روی پلا کاردهای کارگران نوشته شده بود همگی شعار های صنفی و خواسته های اولیه بود مثل 8 ساعت کار روزانه یا یک روز تعطیلی در هفته یا جلوگیری از اخراج کارگران یا مزد مساوی برای کار مساوی و.... که تجمع در ساعت مقرر یعنی 8/5 صبح با شرکت بیش از 100 هزار نفر پرولتاریای صنعتی انجام گرفت که در ان 11 نفر از رهبران پرولتاریا سخنرانی کردند از منافع صنفی کارگران دفاع نمودند.

ط - در ساعت 11 صبح پس از آنکه سخنرانها پایان یافت و جلسه تمام گردید کارگران کوشیدند که بطرف خیابان میشگان در همان شهر شیکاگو راه پیمائی کنند حدود ساعت 11/5 صبح بود که راه پیمایان در مسیر خیابان میشگان به خیابان نهم رسیدند که بمحض رسیدن به اول خیابان نهم تیر اندازی به راه پیمایان از زمین و آسمان از پشت بامها تا پلیس درون خیابان صورت گرفت که حاصل آن کشته شدن دهها کارگر و زخمی شدن صدها نفر و دستگیری صدها تن از کارگران از جمله رهبران کارگران بود.

ی - یکسال بعد یعنی در 11 نوامبر سال 1887 رهبر کارگران البرت پارسونز و سه رهبر دیگر کارگران توسط بورژوازی و نماینده سیاسی او به دار آویخته شدند.

ك - از سال 1889 سه سال بعد از طرف اتحادیه بین المللی کار روز اول ماه مه بعنوان روز جهانی کارگران شناخته شد که پیشنهاد فوق در کنگره دوم انترناسیونال پذیرفته شد و لذا در همین رابطه استکه مدت 120 سال استکه تمامی کارگران جهان در این روز ضمن برپائی جشن و شادی یاد ان شهیدان را گرامی میدارند و سعی می کنند با شرکت خود در این جشن سراسری و حدت و یکپارچی ارتش کار جهانی در برابر بورژوازی به نمایش گذارند ما هم این روز را به تمامی کارگران جهان و بخصوص کارگران ایران تبریک می گوئیم.

4. تاریخ جنبش کارگری ایران :

الف - پروسه تکوین طبقه پرولتاریای صنعتی ایران ریشه در پروسه استحاله ساختار اقتصادی و شکل تولید و روابط تولیدی ایران دارد.

ب - اگرچه پروسه استحاله ساختار اقتصادی و شکل تولید در تاریخ سرمایه داری کشور مانند اروپا نبوده است ولی بطور مشخص پروسه تکوین و پیدایش سرمایه داری در کشور ما سه دوره مختلف طی کرده است که عبارتند:
اول - مرحله بورژوائی.
دوم - مرحله - سرمایه داری تولیدی.
سوم - مرحله بورژوازی کمپردور یا وابسته.

ج - آغاز تاریخ پیدایش مناسبات بورژوائی ایران باز گشت پیدا می کند به دوران صفویه (که بورژوازی تجاری ایران بموازات رشد تضاد صفویه با عثمانی و پیوند نظامی صفویه با انگلیس جهت انتقام از شکست چالدران و جنگ شاه عباس با پرتغالیها و دفع پرتغالیها رقیب امپریالیستی انگلیس از جنوب ایران و بالاخره ورود برادران شرلی بعنوان نماینده دولت انگلیس به ایران پروسه پیدایش و رشد خود را از سر گرفت.

د - دوران صفویه بخاطر اینکه مصادف با قرن 17 اروپا و دوران اعتلای بورژوازی تجاری و کشورگشائی اروپا می باشد قرار گرفتن ایران در مسیر راه ابریشم و راه ادویه و تجارت سودآور کمپانی هند شرقی که بر غارت هندوستان استوار بود همه باعث گردید تا بورژوازی تجاری جهانخوار اروپا که در راس آن بورژوازی تجاری انگلیس قرار داشت به بورژوازی تجاری تازه به دوران رسیده ایران به چشم سر پل انتقال کالاهای تجاری از هند به اروپا و از اروپا به هند نگاه کند و همین امر بود که نطفه اولیه بورژوازی تجاری کشور ما از آغاز بصورت واسطه گوی خارجی بسته شد و نیاز بورژوازی تجاری ما را از تولید روستای داخلی قطع کرد و به کالا خارجی پیوند داد که حاصل آن عدم شکل گیری پروسه تکوین سرمایه ملی و عدم پیوند سرمایه تجاری ما به روستا های کشور بود که این انحراف ساختاری دلیل اصلی انحراف شکل گیری بورژوازی تولیدی و صنعتی ما بعد از پیدایش نفت در ایران و رفرم اقتصادی 6 بهمن سال 42 پهلوی گردید.

ه - بنابراین پیوند سرمایه تجاری ایران بجای پیوند به اقتصاد کشاورزی به سرمایه تجاری اروپا و انگلیس اولین انحراف در پروسه تکوین سرمایه داری در جامعه ما شد و همین انحراف ساختاری باعث گردید که پروسه پیدایش و رشد سرمایه تجاری در جامعه ما نتواند مانند اروپا زمینه ساز مرحله طبیعی انتقال از بورژوازی تجاری به بورژوازی تولیدی و صنعتی باشد و حاصل آن عدم پیوند بورژوازی صنعتی ما به سرمایه های بورژوازی تجاری و عدم پیوند سرمایه های تجاری ما به اقتصاد کشاورزی و عدم پیوند شهر و روستا بود زیرا اگر پروسه پیدایش و شکل گیری و رشد سرمایه داری از مرحله بورژوائی تا مرحله سرمایه داری صنعتی مانند اروپا شکل می گرفت باید آنچنانکه مارکس می گوید می بایست سرمایه تجاری اولیه ما در دوران صفویه از سر ریز شدن ثروتهای مازاد کشاورزی روستاهای ما شکل می گرفت و پس از تکوین سرمایه تجاری اولیه همین سرمایه تجاری باید بصورت سرمایه اولیه جهت تکوین بورژوازی تولیدی و صنعتی در ایران می شد که چنین نشد در نتیجه عدم پیوند سرمایه تجاری ما به اقتصاد کشاورزی و عدم پیوند سرمایه بورژوازی صنعتی و تولیدی ما به سرمایه تجاری باعث شد که سرمایه داری ایران از يك رشد طبیعی و موزون برخوردار نباشد و بورژوازی ملی نتواند نه در شکل تجاری و نه در شکل تولیدی در ایران بوجود آید.

و - وجود گسل های بین سرمایه ای فوق باعث گردید تا ناف سرمایه بورژوازی تولیدی ما که بستر پیدایش طبقه پرولتاریای صنعتی ما بوده است بجای وصل به سرمایه های تجاری به تانکر های نفت و چاههای نفت خوزستان وصل باشد یعنی آنچنانکه پیدایش سرمایه تجاری ما به ورود برادران شرلی و جنگ شاه عباس با پرتغالیها و انتقام شکست شاه

اسماعیل در چالدران و سر پل اتصال اروپا با هند وصل بود تکوین سرمایه بورژوازی صنعتی ما هم به ورود برادر دارسی و چاههای نفت خوزستان وصل گردید که حاصل این گسل ها بیگانگی اقتصادی شهر و روستا و کشاورزی و تجاری و صنعتی و تجاری و عدم شکل گیری بورژوازی ملی و پیدایش سرمایه داری کمپرادور و استحاله دستوری روابط تولید بجای استحاله سرمایه ای و پیوند اقتصاد به دولتها بجای پیوند اقتصاد ما به طبقه ها گردید.

ز - انقلاب مشروطیت ما آنچنانکه در بافت طبقاتی مجلس اول هویدا می باشد کشاکش دو طبقه زمیندار روستائی و بورژوازی تجاری شهری با دولت می باشد که بالاخره پس از کشاکش های متوالی به تقسیم قدرت تن میدهند و این نمایش انقلاب بورژوا دمکراتیک جامعه ما بود.

ح - قدرت اقتصادی دولتها در کشور ما بر خلاف اروپا بجای پیوند با طبقه مثل دوره ساسانی قبل از پیوند به چاههای نفت به اقتصاد غارت غنیمتی وصل بود که در این راستا پایه اصلی قدرت دولتی ایل ها بودند که در آغاز از بیرون مرزها حمله میکردند اما بعدا با تقویت ایل های درونی مثل ایل شاهسون در عصر صفوی یا ایل افشاریه در عصر افشاریه و ایل قاجار در عصر قاجاریه و.. جای ایلهای برون مرزی مثل ایل مغول یا ایل سلجوقیه و ایل غز و ... گرفتند و سکان اقتصادی همه اینها بجای طبقه حاکم شهر و روستا غارت و غنیمت استوار بود مثل نادر شاه که تمام کشاورزان روستای ما را جمع میکرد و بطرف هند میرفت و بعد پس از جنگها و کشت و کشتار طلاهای کوه نور و دریای نور و ... کشور هند بار میکرد و به کلات نادری می آورد و چند روزی با آن آشپزخانه حکومت خود را گرم نگه میداشت و ... که حاصل همه این مکانیزمها دوری دولت از طبقه در کشور ایران و پیدایش اقتصاد دستوری بجای اقتصاد طبیعی بود که در يك نگر کلی تکیه گاه دولتها در ایران بجز دوران ساسانی که بر طبقه حاکم یعنی زمینداران تکیه داشت در بقیه مراحل یا بر غارت و غنیمت استوار بوده است یا بر چاههای نفت و همین موضوع باعث گردید که دولتها هیچ وقت در ایران بعنوان نماینده سیاسی طبقه حاکم ایران نباشد و همین عامل انحراف پروسه اقتصادی جامعه ما بوده است بخاطر همین عامل بوده است که باعث شد که دولتهای غربی جهت فراهم کردن بستر غارت در این کشور بجای تقویت طبقه های حاکم و ساختار اقتصادی به تقویت و تکوین دولتهای متمرکز و مقتدر بپردازند که آخرین آنها رضا خان میر پنج بود که در دوران افول حکومت قاجاریه توسط حکومت انگلیس شکل گرفت.

ط - نطفه اول پرولتریای صنعتی کشور ما با تاسیس پالایشگاه نفت آبادان در سال 1912 میلادی یا 1290 شمسی یعنی پنج سال بعد از انقلاب مشروطیت (13 مرداد 1285 به فرمان مظفر الدین شاه) و 9 سال قبل از کودتای رضاخان و دو سال قبل از جنگ جهانی اول و پیدایش پدیده امپریالیسم مالی -اقتصادی در غرب آغاز میگردد.

ی - اگرچه تا قبل از ان بافت کارگری در جامعه اقتصادی کشور ما مانند کارگران چاپ وجود داشته است ولی تولد و تکوین پرولتریای صنعتی ما بازگشت پیدا می کند به صنعت نفت و بعد از ان صنعت شیلات که این دو پایه عامل شکل گیری طبقه پرولتاریای صنعتی در کشور ما شدند که این زمان دقیقا مصادف با اوج مبارزات تشکیلاتی صنفی -سیاسی طبقه پرولتاریای کشورهای سرمایه داری هست در همین راستا بود که با تشدید فشارهای اقتصادی توسط شرکت نفت انگلیس بر پرولتاریای صنعتی کشور ما نطفه جنبش کارگری از آغاز پیدایش طبقه پرولتاریا به استان خوزستان متصل گردید و باز بهمین خاطر بود که نخستین تشکیلات پرولتری ما تحت عنوان شورای مرکزی اتحادیه های حرفه ای در سال 1299 در زمان وثوق الدوله به رسمیت شناخته شد این شورا که 30 نفر عضو داشت از نمایندگان 15 اتحادیه تهران که شامل اتحادیه چاپخانه ها، اتحادیه نانوها و اتحادیه خبازها، اتحادیه قنادها و اتحادیه بزازها و ... شکل گرفت اگرچه این اتحادیه تا سال 1304 فعالیت علنی داشت و در سال 1304 سال تاج گذاری رضاشاه فعالیت این اتحادیه ممنوع گردید در مدت این چهار سال فعالیت این شورا فقط جنبه صنفی داشت و تلاش میکرد تا با طرح نخستین خواسته های صنفی کارگران زمینه پیدایش و تصویب يك قانون کار فراهم سازد که با فشار رضا خان غیر ممکن شد.

ک - تشکیل شورای مرکزی اتحادیه های حرفه ای که نمایندگان اتحادیه های صنفی شهر تهران بود نخستین تجربه تشکیلاتی کارگران غیر صنعتی بود که بعنوان پشتیبان طبیعی پرولتاریای صنعتی ایران شکل گرفت.

ل - اگرچه فعالیت شورای مرکزی اتحادیه های حرفه ای مانند فعالیت سندیکای کارگران نفت خوزستان که نخستین تشکیلات صنفی پرولتاریای صنعتی ایران بود نتوانست بسرعت فازهای صنفی سیاسی پشت سر بگذارد و وارد اعتصابات کارگری و اعتلای خواسته های کارگران گردد ولی در کادر همان پیشبرد خواسته های صنفی که عبارت بود از تنظیم و تصویب قانون کار حتی پس از ممنوع شدن فعالیت علنی توسط رضاخان به فعالیت غیر علنی خود ادامه داد و توانست موفقیت هائی بدست آورد و در همین راستا بود که شورای مرکزی اتحادیه های حرفه ای توانست در

سال 1323 یعنی سه سال بعد از تبعید رضاخان نخستین قانون کار در چهاردهمین دوره مجلس به بحث بگذارد که بخاطر اکثریت ارتجاعی نمایندگان مجلس چهاردهم قانون کار پیشنهادی شورای مرکزی اتحادیه های حرفه ای رای نیابرد و در سال 1325 در مجلس پانزدهم به خاطر حمایت ملیون تحت رهبری مصدق نخستین قانون کار کشور به تصویب رسید و برای اولین بار کارگران کشور دارای نظام حقوقی شدن که توسط آن می توانستند در برابر بورژوازی حاکم بصورت حقوقی -صنفي از منافع خود دفاع کنند اصول محوری قانون کار مصوبه خرداد ماه سال 1325 عبارت بودند از:

- 1- 8 ساعت کار روزانه.
- 2- دو هفته مرخصی در سال با استفاده از حقوق.
- 3- 6 هفته مرخصی زایمان برای زنان کارگر.
- 4- منع کار برای کودکان زیر 12 سال.
- 5- تامین بیمه اجتماعی برای کارگران.
- 6- حداقل حقوق روزانه 40 ریال برای کارگران نفت جنوب و 30 ریال برای کارگران دیگر مناطق ایران.
- 7- یکروز مرخصی هفتگی و....

م - تشکیل و فعالیت شورای مرکزی اتحادیه های حرفه ای از سال 1299 تا سال 1325 سال تصویب نخستین قانون کار و نظام حقوقی کارگران يك موضوع را ثابت کرد و ان اینکه در مرحله اول جنبش کارگری ایران که از سال 1299 تا سال 1325 می باشد اگرچه جنبش پرولتاریای صنعتی نفت جنوب ایران دارای فعالیت صنفي و سیاسی هستند اما نقش هژمونی جنبش کارگری در دست جناح کارگری جنبش کارگری می باشد که تحت لوای شورای مرکزی اتحادیه های حرفه ای (اتحادیه های پانزده گانه تهران) فعالیت میکردند.

ن - از سال 1325 به بعد (پس از طرح شعار ملی شدن صنعت نفت از طرف دکتر محمد مصدق و سیاسی شدن شرایط اجتماعی و پایان جنگ جهانی دوم و رشد جنبش های رهائی بخش در عرصه کشورهای تحت سلطه و گسترش صنایع داخلی و رشد فعالیت تشکیلاتی حزب توده مرحله دوم جنبش کارگری که همراه با اعتلای جنبش پرولتاریای صنعتی بود آغاز شد در همین راستا بود که بزرگترین سندیکای پرولتاریای صنعتی کشور تحت عنوان سندیکای کارگران جنوب در سال 1325 تشکیل شد و در همین سال 1325 بود که سندیکای کارگران نفت جنوب به شورای مرکزی اتحادیه های حرفه ای تهران پیوستند و باز در همین سال است که بزرگترین اعتصاب کارگران صنعت نفت که بیش از 100 هزار نفر پرولتاریای صنعتی نفت جنوب دخالت داشتند بر علیه شرکت نفت انگلیس انجام گرفت) دومین مرحله جنبش کارگری ایران که هژمونی آن برعکس مرحله اول (1299 تا 1325 - که در دست جناح کارگری جنبش کارگری بود) در دست جناح پرولتری طبقه کارگران قرار گرفت و لی نکته ای که در این مرحله از پروسه جنبش قابل توجه بود اینکه با عنایت به اینکه تشکیلات جنبش پرولتری ایران (بر عکس اروپا بخاطر بحرانهای ساختاری که فوقا مطرح گردید) از پتانسیل لازم جهت هدایتگری برخوردار نبود در نتیجه باعث شد تا تشکیلات حزب توده بعنوان جریان چپ که از طرف بلوک شرق قدرت فاتح جنگ دوم جهانی حمایت می شد در تشکیلات کارگری نفوذ و دخالت کند و سکان هدایتگری تشکیلات کارگری ایران در دست گیرد که حاصل ان چپ رویهای کودکانه ای بود که بخصوص در مقابل نهضت مقاومت ملی مصدق مرتکب شد که حاصل همه اینها قرار گرفتن جنبش کارگری ایران در خدمت سیاستهای انحرافی حزب توده ایران بود ن -ملی شدن صنعت نفت تحت رهبری دکتر محمد مصدق بزرگترین دستاورد جنبش کارگری در مرحله دوم بود که با حمایت پرولتاریای صنعتی ایران انجام گرفت.

ع - مرحله دوم جنبش کارگری با کودتای 28 مرداد به پایان رسید و جنبش کارگری پس از حاکمیت اختناق حکومت کودتا و متلاشی شدن تشکیلات داخلی حزب توده و سرنگونی حکومت ملی دکتر مصدق تا سال 1342 تحت سلطه رژیم اختناق مرحله سوم حرکت خود را از سر گذارند که در این مرحله جنبش کارگری ایران سعی کرد که از مرحله در خود و مرحله برای غیر خارج شود و مرحله برای خود از سرگیرد که حاصل ان انجام اعتراضات و اعتصابات پراکنده کارگری از اعتصابات کارگران شرکت نفت تا اعتصابات کارگران کوره های آجرپزی ورامین و نیروهای خدمات شهری و اتوبوس واحد و... همه در همین راستا بود که در 6 بهمن سال 1342 رژیم کودتا تلاش کرد تا با رفرم 6 ماده ای که کارگران را در سود کارخانه ها سهیم میکرد حرکتهای ضد انگیز های جهت آمبورژوا کردن کارگران با تاسی از سیاستهای طبقه حاکم بورژوازی غربی فراهم سازد که این سیاست رژیم هم نتوانست جنبش کارگری ایران خاموش کند در نتیجه جنبش کارگری در مرحله چهارم حرکت خود که تا سال 57 ادامه داشت به اعتصابات خود اگرچه پیوسته از طرف رژیم بخشونت کشیده می شد ادامه می داد که از مهمترین این اعتصابات اعتصاب سه روزه جهان چیت کرج بود که با شرکت 1500 کارگر جهان چیت در اردیبهشت سال 1350 انجام گرفت

که گرچه خواسته کارگران در این اعتصاب جنبه صنفی داشت ولی با حمایت دولت و ژاندارمری از فاتح مالک کارخانه جهان چیت این اعتصاب که در روز سوم به راه پیمائی بطرف تهران کشیده شده بود در محل کارونسرای سنگی به خاک و خون کشیده شد و بیش از 100 نفر از کارگران کشته و زخمی شدند.

س - اعتصابات کارگری در مرحله چهارم اگرچه صورتی ناپیوسته با خواسته های صنفی انجام میگرفت ولی این جنبش بهر شکل بود ادامه داشت تا اینکه در سال 57 پس از شروع نهضت ضد استبدادی مردم ایران جنبش کارگری ایران وارد پنجمین مرحله حرکت خود شد که نتیجه آن اولاً فراگیر بودن سراسری جنبش کارگری در این مرحله بود بطوریکه کارگاه یا کارخانه ای در این مرحله پیدا نمی کردی که در این مرحله از جنبش شرکت نکرده باشد در ثانی خواسته جنبش در این مرحله برخلاف مراحل قبل جوهر سیاسی داشت در ثالث رهبری جنبش در این مرحله در دست کارگران صنعت نفت جنوب بود که حاصل آن با پیروزی مبارزات ضد استبدادی 22 بهمن جنبش کارگری مرحله دیگری از مبارزات برحق خود را پشت سر گذاشت.

والسلام